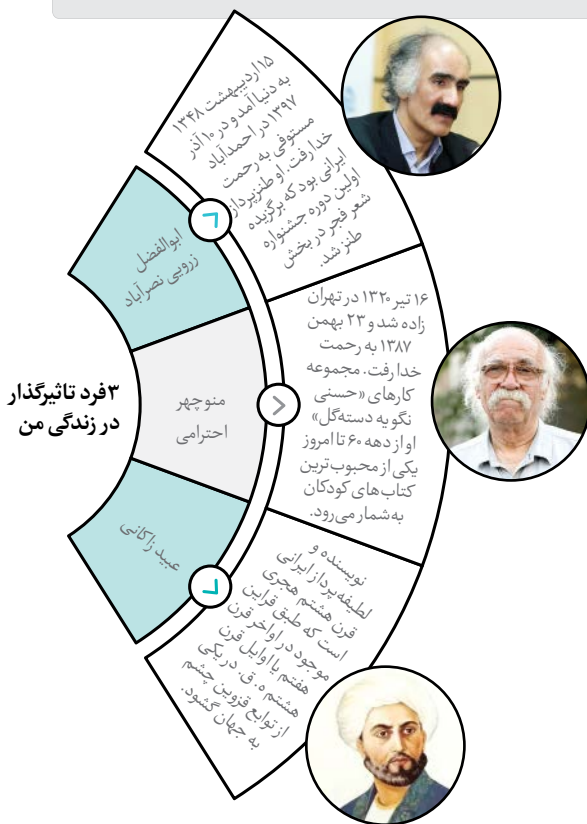


مدیریت دفتر طنز حوزه هنری	معاونت سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی با کارهای عالی و لذتبخش	شروع فعالیت‌های نشر پرنده	تاسیس مجله دانشجویی درنا که اولش ژاپنی - فارسی بود بعد از چند شماره تبدیل شد به مجله طنز!	تولد دخترم سارا در روز عید غدیر	ازدواج در روز عید غدیر	ورود به حوزه هنری در قامت تیمسار سرباز!	مسئولیت فرهنگی خوابگاه‌های دانشگاه تهران	یک ناشر، مدیر و طنزپرداز
۱۴۰۰	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۸۷	۱۳۸۵	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	



بار خطرناک است!

هست، قلم من هم به سمت کوتاه‌نویسی تقویت شد. به دلیل علاقه خاصی که به هایکو داشتم برای معرفی درست این سبک شعری در زبان فارسی، برای اولین بار مدخل معرفی هایکو در ویکی پدیا را من نوشتم.

از دفتر طنز و ایده‌هایتان برای آینده بگویید.

ایده خاص ما توسعه محافل طنز استانی است که بسیار جدی دنبال می‌کنیم. گسترش طنز رسمی در جامعه، هدف دیگری است که برای آن در حال تلاش هستیم. طنزی که الان در شبکه‌های اجتماعی و فضای عمومی ما رواج دارد، طنز لغو است. طنزی است که اصرار بر این دارد با فضای جنسی جذابیت خودش را حفظ کند و این برای آینده طنز ما بسیار خطرناک است. ما نیاز به طنز رسمی داریم. این که اصلاً ما تیمی داشته باشیم که لطیفه‌ساز باشد. لطیفه گفتن بسیار سخت است. خدا رحمت کند آقای زرویی می‌گفت: «من حاضر همه کارهای طنزی را که نوشته‌ام بدهم و یکی از این لطیفه‌هایی که بین مردم دست به دست می‌شود، مال من بشود.» رسانه ملی نماد طنز رسمی ماست. ما طنز بی‌بخار نمی‌خواهیم، طنزی که مؤثر واقع نشود نمی‌خواهیم. هم بخنداند، هم مؤدبانه باشد. ما در هجو دشمنان بسیار عقب هستیم، مسأله‌ای که حضرت آقا هم روی آن تأکید دارند.

اگر بخواهیم طنزنویس شویم، چه کنیم؟

اولاً: کتاب بخوانیم، حتی اگر در حد نوک‌زدن هست، بخوانیم.

ثانیاً: ما باید از راه رفته دیگران باخبر شویم. نیاز جدی داریم بدانیم آثار چه

همچنان بر همان صحبتی که کردم هستیم که لطف خدا در قرار گرفتن این مسیر برای من خیلی مؤثر بوده است.

چرا انتشارات «پرنده»؟

صاحب امتیاز انتشارات، آقای هادی است که ایشان فرزند شهید هستند و صاحب قلم. ایشان هر وقت کتابی می‌نویسند، جمله صفحه تقدیمش این بود: «تقدیم به پدرم که در سومار ۶۱ پرنده شد.» این کلمه «پرنده» که برای انتشارات انتخاب کرده بود از همین جمله گرفته شده است.

چرا زبان ژاپنی را انتخاب کردید؟

من کلاً دنبال انتخاب زبان دوم بودم. من برای انتخاب رشته ۵۰ زبان را انتخاب کردم. ژاپنی انتخاب اولم بود.

یعنی زبان ژاپنی هم برحسب اتفاق بود؟

بله، البته من بسیار به یادگیری زبان دوم مشتاق بودم، منتها با قبول شدن در رشته زبان ژاپنی، واقعا دچار ذوق زدگی شدم.

ورود به دنیای ژاپن چه اتفاقات دیگری را برای شما رقم زد؟

خانم سما بابایی استاد ما بودند. خدا رحمت‌شان کند. آشنایی با استادان ژاپنی، با فرهنگ ژاپنی، با ادبیات ژاپن برای من بسیار جذاب بود. دنیای عجیبی بود. با این که ورود به این رشته از بیرون بسیار ترسناک بود ولی درونش آرامش خاصی داشت.

به خاطر آشنایی با ادبیات ژاپن که کوتاه‌نویسی و هایکو جزء اصلی ادبیات‌شان

کسانی را ببینیم. باید در این زمینه راهنما داشته باشیم.

ثالثاً: سایت مکتب مهر را ببینید. چند بسته برای آموزش طنزنویسی روی سایت بارگذاری شده است که علاقه‌مندان به طنزنویسی می‌توانند از این مطالب استفاده کنند.



فاطمه سادات میراحمدی | قفسه کتاب

- ۴

راهنمای طبیعت‌گردی
با گیاهان ایران /
مجید اسکندری /
انتشارات
ایران شناسی
- ۵

کوچه باران /
امیر اسماعیلی
/ روایت‌هایی
خوشخوان از
۶۶ شهید / نشر پرنده
- ۶

کهکشان نیستی /
محمد هادی
اصفهانی / نشر
فیض فرزاد
- ۷

از چنین حکایت‌ها /
گزیده تاریخ بیهقی /
بازنویسی جعفر یاحقی
و صدای بی‌بدیل
ابوالحسن نهامی